در گفت‌وگو با پیشکسوتان عرصه ایثار و مقاومت بررسی شد

مدیریت خدمت سربازی برای نسل جوان با تبیین فرهنگ دفاع مقدس

عزیزالله محمدی(امتدادجو)

فرهنگ، سرباز و مدیریت، سه واژه مجزا، ولی پیوسته به هم در دوران دفاع مقدس بودند که به‌رغم پرداخت‌های متنوع و متفاوت به هر کدام از آنها، اما هنوز ابعاد کامل این سه جزء تاثیرگذار، به‌ویژه در حوزه واژه «سرباز» برای جامعه بازگو نشده و این نقش با توجه به آنکه محققین و پژوهشگران و مورخان و تحلیلگران هم همواره بیشتر به مباحث کیفیت نتایج عملیات‌ها و یا به نقش شهدای برجسته و یا فرماندهان پرداخته‌اند از بخش‌های مغفول مانده دوران دفاع مقدس محسوب می‌شود و لزوم پرداخت به آن با عنایت به آنکه این دوره و مرحله، برای زندگی جوانان بسیار حساس است امری مهم و تاثیرگذار می‌تواند باشد.

بر همین اساس و با توجه به نیاز مبرم برای انتقال مفاهیم دفاع مقدس به نسل‌های جدید و فرصت بهره‌گیری ارزشمند از دوران سربازی جوانان، با طرح این سؤال که «فرهنگ سربازی و نقش مدیریت سربازی ستاد کل در ترویج و تبیین فرهنگ دفاع مقدس» چگونه است؟ به سراغ چند تن از محققین و مدرسین و اساتید برجسته حوزه دفاع مقدس در دانشگاه‌ها و اندیشکده‌ها رفتیم و نظر آنان را در این زمینه جویا شدیم که به‌رغم تماس‌های مکرر و پی‌گیری‌های لازم، در نهایت موفق شدیم با دو نفر از این اساتید محترم گفت‌وگو داشته باشیم.

دکتر بهنام نداف، مدیر اندیشکده مطالعات رهبری خدمت سربازی در این باره گفت: دوران خدمت سربازی یکی از با ارزش‌ترین دوره‌ها برای ساخت جوانان است؛ دوران ارزشمند و حیاتی برای تامین امنیت؛ دوره سربازی از دیدگاه مقام معظم رهبری، خدمت مقدسی است که در دوران صلح و جنگ در صف اول نیازهای کشور قرار دارد.

دلاوری‌ها و ایثارگری‌ها رزمندگان در دفاع مقدس، عمدتا وابسته به همت سربازان جوان وطن بوده است که مخلصانه در وادی دفاع از مرز و بوم قدم برداشتند.

اگر به تاریخ دفاع مقدس دقت شود ما در حدود چهار الی پنج عملیات بزرگ آن دوران و به‌ویژه در سال‌های آغازین جنگ، حضور سربازان جوان کشور را بسیار پررنگ و برجسته می‌بینیم. عملیات‌هایی مثل طریق‌القدس، فتح‌المبین، بیت‌المقدس و عملیات رمضان از عملیات‌های بزرگی هستند که تقریبا نیمی از سازمان‌های یگان‌های رزمی این عملیات‌ها را سربازان تشکیل می‌دادند و در آن عملیات‌ها شهدای زیادی را دادیم که با عضویت سربازان در این یگان‌ها تقدیم شد و باید بگوییم که بر اساس جامعه آماری موجود نزدیک به پنجاه هزار شهید دوران دفاع مقدس عزیزان سرباز هستند که در راستای دفاع از ارزش‌های دینی و میهنی جان خود را نثار کردند.

صحنه‌های زیادی از دلاوری‌ها و رشادت‌های سربازان جوان در دفاع مقدس رقم خورده است که در عین حضور، می‌شود گفت خیلی مظلومانه در این وادی حضور داشتند و مظلومیتشان کاملا مشهود است که متاسفانه آن‌گونه که باید به چشم هم نمی‌آمدند.

خون شهدای سرباز واقعا تاثیر خودش را در پیشرفت نظام اسلامی داشته است و شما این موضوع را تطبیق بدهید با سردار شهید حاج قاسم سلیمانی که بارها گفته است به من بگویید سرباز و سنگ مزار خودش را در جامعه دامن زدند و درخصوص این ایثارگری‌ها و شهادت‌طلبی‌ها تلاش کردند این فرهنگ را تضعیف کنند.

این بخشی از واقعیت جامعه است که متاسفانه وجود دارد و در زمانی که رزمندگان در عملیات‌های مختلف جبهه‌های جنگ حضور داشتند این افراد در بخشی از مدیریت نفوذ کردند و به خلاف واقع این فرهنگ را تضعیف کردند؛ ولی به هر صورت اگر می‌خواهیم فرهنگ دفاع مقدس را در میان جوانان خودمان و در حوزه خدمت سربازی ترویج بدهیم؛ باید چند کار را با ابزارهای مختلف انجام بدهیم و باید جوانان را به سمت آموزه‌های دفاع مقدس و فرهنگ ایثار مدیریت و هدایت کرد حتما مطلع هستید که سالانه تقریبا حدود ۳۵۰ هزار نفر از جوانان کشور ضمن به تن کردن لباس خدمت مقدس سربازی در نیروهای مسلح حضور پیدا می‌کنند که این، عدد و رقم بسیار قابل توجه و بالای است که اگر یک دهه گذشته، از ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۰ را در نظر بگیریم؛ یعنی معادل سه میلیون و ۵۰۰ هزار نفر وارد حوزه سربازی شدند که این فرصت بسیار ارزشمند و مهمی بوده است که حاوی نکاتی نیز می‌باشد.

نکته اول، آموزش‌های لازم و بهره‌گیری از روش‌های نوین و به روز است که باید با آموزش‌های مدرن پیش رفت و دیگر نمی‌شود با آموزش‌های قدیمی و سنتی به پیش رفت.

نکته دوم این است که واقعیت‌های تلخ و شیرین و آشکار و پنهان دفاع مقدس را حتما باید به جوانان گفت و تبیین کرد که بخشی از سؤال‌های جوانان به‌رغم گذشت زمان هنوز پاسخ داده نشده است و باید فکری اساسی و دقیق برای آن باید کرد.

نکته بعد و سوم، آن است که بر اساس مطالعات و پژوهش‌ها و تحقیقاتی که داشتیم؛ متوجه شدیم که اکثریت جوانان کشور که در سنین ۱۸- ۲۰ سالگی هستند؛ اعتقاد دارند که باید برای کشور و نظام ایثارگری داشت و جان فدای آن کرد که این نتایج ثابت شده و موجود است و بر همین اساس ما باید بهترین اساتید و بهترین شیوه را برای ترویج فرهنگ ایثار در دفاع مقدس برای جوانان استفاده کنیم.

متاسفانه باید اذعان کنیم که، الان با گذشت بیش از ۳۰ سال از دوران جنگ و دفاع مقدس در حالی که نسل حاضر در جنگ را کم‌کم داریم از دست می‌دهیم؛ نتوانستیم اساتید و مربیان خوبی را در طراز دانشگاهی و حتی در مقاطع پایین‌تر، یعنی مدارس و برای دانش‌آموزان به‌طور مناسب تربیت و به‌کارگیری کنیم؛ تا از این طریق بشود موضوع را نهادینه کرد و این یک مشکل و معضل جدی است که نتوانستیم جایگزین مناسب در حوزه روایت و آموزش و تربیت اساتید داشته باشیم.

مطلب بعدی و مهم و نکته چهارم، فضای مجازی است که راه ارتباط موثر با نسل جوان و تحصیل کرده است که اگر ما با طرح و نقشه در این فضا حضور داشته باشیم می‌توانیم موفق باشیم و اگر طرح و نقشه نباشد شکست خواهیم خورد.

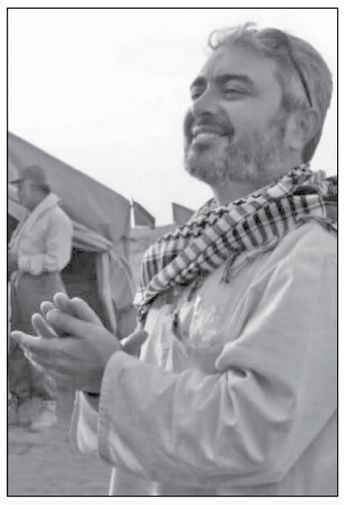

نداف: بر اساس پژوهش‌ها اکثریت جوانان ۱۸ تا ۲۰ ساله اعتقاد دارند که باید برای کشور و نظام ایثارگری داشت و جان فدای آن کرد، بر همین اساس ما باید بهترین اساتید و بهترین شیوه را برای ترویج فرهنگ ایثار در دفاع مقدس برای جوانان استفاده کنیم.

و نکته آخر، مقطع قبل و پیش از ورود به مرحله سربازی است. ما عمدتا جوانانمان را به هر صورت نتوانستیم با موضوع و فضای فرهنگ ایثار و شهادت و دفاع مقدس آشنا کنیم و نتوانستیم این نسل را نسبت به موضوع تربیت کنیم- و نتوانستیم دانش‌آموزان را تربیت کنیم- که همین دانش‌آموز، وقتی وارد مقطع دانشگاه می‌شود در آن‌جا نیز به همین نحو خلاء وجود و معارف دفاع مقدس. چرا که این فرهنگ و مفاهیم و معارف، اگر در میان نسل جوان به«درستی» و نه به «درشتی» بیان شود بی‌شک و بی‌تردید در مسیر تحقق «تمدن نوین اسلامی» با نقشه راه «بیانیه گام دوم» بیش از پیش ما موفق خواهیم بود و برداشت شخصی بنده از بیان رهبری مبنی بر زنده نگه داشتن فرهنگ ایثار و شهادت این است که ایشان به عنوان فرمانده کل قوا متوقع هستند؛ تبیین اندیشه‌های عرصه سخت که امروز، یا به عنوان جنگ و یا به‌عنوان دوران دفاع مقدس از آن اسم می‌بریم؛ در جنگ تمام عیار جنگ نرم -که امروز هزار برابر بیشتر از جنگ سخت است- به هر نحو ممکن انجام بپذیرد.

زمانی: یکی از کارهای خوب این است که با روش گپ و گفت در فضای مجازی، خاطرات و فرهنگ دفاع مقدس بیان می‌شود و بعد از آن، تشکیل گروه‌های مطالعاتی است که من به آنها روش مطالعه و کتاب‌های مختلف و مسیرهای درست را ارائه می‌دهم.

با این مقدمه نکته‌ای را باید اشاره کنم که وقتی در میان نسل جوان حضور پیدا می‌کنیم و با آنها شروع به صحبت می‌کنیم و آن آرمان‌ها و ارزش‌ها که توسط انسان‌هایی روی زمین با داشتن ایمان و باور و دین‌مداری و داشتن سبک ایرانی اسلام به منصه ظهور رسید را بیان می‌کنیم؛ تاثیرات آن را به خوبی و آشکارا می‌بینیم.

آن انسان‌ها کدام اتفاق را رقم زدند؟ ببینید! فرق بسیار مهمی است بین جنگ و دفاع. وقتی گفته می‌شود جنگ، یعنی تحمیل خواسته‌های یک اندیشه و یا یک مجموعه و یا یک کشور به طرف دیگر با استفاده از زور، اما وقتی از دفاع صحبت می‌کنیم؛ عبارت است از بروز صفت‌های پسندیده و والای یک انسان. مثل ایثار، اخلاص، شهامت، شجاعت و در انتها شهادت. ما وقتی صادقانه می‌خواهیم این مطالب را در حوزه‌های مختلف مثل دانش‌آموزی و یا دانشجویی و یا سربازی و چه حتی در حوزه علمیه و میان نخبگان و شرکت‌های دانش‌بنیان مطرح کنیم؛ می‌بینیم که مورد استقبال قرار می‌گیرد.

یکی از اتفاقات خوبی که در ستاد کل نیروهای مسلح افتاده است؛ نگاه به فرهنگ سربازی است. فرهنگ نسل جوان سربازی که با مهارت‌ها و حرفه‌های بسیار مهم، به‌عنوان سرباز در طراز انقلاب اسلامی مشغول هستند و می‌بینیم که وقتی به این موضوع می‌پردازیم؛ در مجموعه ستاد کل نیروهای مسلح بزرگوارانی هستند که برای تبیین کردن آن آرمان‌ها و ارزش‌های دوران دفاع مقدس در میان نسل جوان برنامه‌ریزی می‌کنند و به پیش می‌روند؛ اجازه بفرمایید من خاطره‌ای بسیار شیرین برای شما تعریف کنم:

در عملیات «کربلای۵ » و در «جزیره بوارین» عراق، محورعملیات ما در گردان به سمت و سویی بود که باید می‌رفتیم از «نهر جاسم» متمایل می‌شدیم به سمت جزیره بوارین. در گردان ما که یک گردان به‌علاوه بودیم و تقریبا دو دسته رزمی هم به ما اضافه بود؛ در میان این بچه‌ها سربازانی بودند که بعضا متاهل و بعضا مجرد بودند؛ اما برای اینکه گوش به فرمان ولی و امام باشند در آن شرایط سخت و بحبوحه جنگ و دفاع مقدس، به‌عنوان «سرباز» آمدند وسط میدان و از این آرمان دفاع و در جنگ اعتقادات سهم خودشان را تقدیم کردند که به این طریق، اولا، نقش خودشان را پیدا کردند و سپس وقتی نقش خودشان را پیدا کردند نقش‌آفرین شدند و نقش خودشان را هم به‌خوبی به‌عنوان سرباز جوان میهن، زیر پرچم جمهوری اسلامی ایران ایفا کردند.

در طول و قبل از عملیات کربلای ۵ این نسل جوان و سربازان، با ما در گردان و با بسیجیان جوان و نوجوانی که دل داده فرهنگ ناب دین مبین اسلام بودند همراه شدند و من می‌گویم اینها پیشانی حوزه دفاعی کشور هستند.

فراموش نکنیم که در گردان‌ها چهار مولفه و شاخصه قبل از عملیات به شکل جدی خودش را نشان می‌داد. اول، خودسازی (من عرف نفسه) دوم، کسب علم و معرفت. سوم، مسئولیت‌پذیری که راهکارها و روش‌های مسئولیت‌پذیری را از فرماندهان و دیگران فرا می‌گرفتند و چهارم، خدمتگزاری صادقانه بود که به‌طور مثال یک نفر نانوا، یک نفر شهردار، و یک نفر آب‌رسان می‌شد و وقتی این چهار مولفه را بررسی می‌کنیم؛ می‌بینیم که همان نسل جوان سرباز در کنار بسیجیان نقش جدی ایفا می‌کردند و ضمن انجام خدمت سربازی شکل و شمایلشان را هم با بسیجیان همرنگ می‌کردند و صفات آنان را داشتند.

در شب عملیات کربلای ۵ وقتی در جاده جزیره بوارین قرار گرفتیم یک تانک T۷۲ وارد جزیره شد و من و بچه‌ها داد می‌زدیم که آرپی‌جی زن! آرپی‌جی زن! بلند شو و بزن. در این لحظه دیدیم که شهید والا مقام «محمدرضا مهربانیان» بلند شد و قبضه آرپی جی را مسلح کرد و به محض اینکه شلیک کرد دیدیم که پیکر مبارکش به زیر شنی‌تانک که ۲۹ تن وزن دارد افتاد و تانک پیکر او را بر زمین دوخت.

هرگز چهره زیبا، پاک و اقتدار و اخلاص و آن رنگ و لعابی که از بسیجیان گرفته بود و زیارت عاشورا خواندش را، نماز اول وقت و شرکت در نماز جماعتش را، شرکت در صبحگاه و مراسم‌های سوگواری و سینه زنی و... او را فراموش نمی‌کنم. او و سربازان دیگر با بسیجیان یکی شده بودند و یکصدا و یکرنگ بودند. رنگ لباسشان خاکی بود. لیوان آب خوردنشان مثل هم قرمز رنگ پلاستیکی بود و سفره غذایشان چفیه بود و از همه بهتر، یکرنگ و یکدل بودند و یک مشت و ید واحده شدند در مقابل دشمن تا بن دندان مسلح.

وقتی در حوزه تبیین و در این جهاد وارد می‌شویم در میان نسل جوان چه در راهیان نور و گروه‌های جهادی و یا دوره‌های آموزشی آموزشگاه‌های زیر نظر ستاد کل، من به آنها می‌گویم که شما جوانانی هستید که تجربه‌های خوبی از راهیان نور و گروه‌های جهادی و آموزش و تولید علم کسب می‌کنید و مقدمات و الگوهایی دارید؛ اما ما در دوران دفاع مقدس و انقلاب این تجربه‌ها و مقدمات و الگوها را نداشتیم و شما الگوهای خیلی خوبی دارید.

من وقتی که در میان نسل جوان در مناطق مختلف و جاهای آموزشی حضور پیدا می‌کنم و از دوران دفاع مقدس و از آن فرهنگ ناب و معارف دوست‌داشتنی صحبت می‌کنم و به شکلی درست و نه درشت عنوان می‌کنم؛ آنها به شدت استقبال می‌کنند و می‌بینم که این عزیزان سرباز و جوانان، دوست دارند نه تنها در زمان آموزش تعیین شده، بلکه تا ساعت‌ها صحبت کنند.

هیچ‌گاه فراموش نمی‌کنم وقتی در میان سربازان عزیز و بزرگوار نخبگان حضور پیدا می‌کنم؛ و خودم را معرفی می‌کنم و از دوران دفاع مقدس و از عملیات‌های مختلف مثل (والفجر ۸، الی بیت المقدس، والفجر مقدماتی، کربلای۱،۴، ۵، بیت المقدس ۲،۳،۶ و مرصاد) که در آنها حضور داشتم و از نزدیک دیدم صحبت می‌کنم؛ می‌بینم که چقدر زمینه جذب این جوانان فراهم است و وقتی می‌خواهم از این جوانان خداحافظی کنم شماره بنده را می‌گیرند و در فضای مجازی گروه‌های مختلف علمی تشکیل می‌دهند و در آن گروه‌ها با هم گپ و گفت می‌کنیم.

یکی از کارهای خوب این هست که با همین روش گپ و گفت در فضای مجازی بیان خاطرات و فرهنگ دفاع مقدس می‌شود و بعد از آن، تشکیل گروه‌های مطالعاتی است که من به آنها روش مطالعه و کتاب‌های مختلف و مسیرهای درست را ارائه می‌دهم چرا که معتقدم امروز ما با داشتن نقشه راهی به نام بیانیه گام دوم، اولین کاری که باید بکنیم قرار گرفتن در مسیر تولید علم و پژوهش و علم پژوهی و در مولفه دیگر به نام سبک زندگی است که در این مسیر ما نیاز به این نسل جوان داریم و این نسل جوان را باید باور کنیم.

خدا را شاهد می‌گیرم وقتی از دست نوشته‌ها و دل نوشته‌ها و از خاطرات و ویژگی‌های نسل جوان دفاع مقدس و بسیجیان و سربازان صحبت می‌کنم؛ می‌بینم که برای همین سربازان نسل امروز، چقدر این صحبت‌ها جذاب و شیرین و جالب است و به‌ویژه برای سربازان حوزه نخبگان و یا اعضاء هیئت علمی.

وقتی من وصیت‌نامه شهید والا مقام «رسول بلگل» را برای این عزیزان بیان می‌کردم؛ می‌دیدم چقدر این بچه‌ها با نگاه زیبای جوانی و با عمق وجود دینی خودشان به این وصیت‌نامه توجه داشتند.

شهید «رسول بلگل» در وصیت‌نامه خودش می‌گوید: «خدایا چقدر زیباست برای پدر و مادرم نوشتم و می‌نویسم. پدر و مادر عزیزم! دوست داشتید من ازدواج کنم و شما برای من مراسم عروسی بگیرید و حجله‌ای برپا کنید و نقل و نبات بریزید. من در جبهه ازدواج کردم. در سنگری که الان در مقابل دشمن نشستم که به آب و خاک و اعتقاداتم حمله کرده. کنار عروستان صفیر گلوله دارد نقل و نبات می‌ریزد. راستی پدر و مادر فراموش کردم بگویم که بین من و عروس شما فرزندی متولد شده است که ما تصمیم گرفتیم اسم آن را بگذاریم «آزادی». پدر و مادر عزیزم من او را به شما می‌سپارم. او را پاس بدارید.»

ببینید چقدر این جوان شهید ملبس به لباس مقدس سربازی والا مقام دفاع مقدس، زیبا قلم می‌زند و این‌گونه بیان می‌کند؛ او به کجا رسیده است؟! قطعا خارج از این چهار مولفه نیست.۱- خودسازی،۲- کسب علم و معرفت،۳- مسئولیت‌پذیری،۴- خدمت‌گزاری صادقانه.

یک شهید، یک خاطره

فدایی اسلام

مریم عرفانیان

ایام عزاداری اباعبدالله (علیه‌السلام) بود. روز عاشورا، رسول که پنج‌سال داشت، کنار خانه روی خاک‌ها بازی می‌کرد. برای خودش رودخانه درست کرده بود و آن‌طرفش صحرا! هر چه گفتم: «برو توی خونه...» گوش نکرد!

مادرش را صدا زدم؛ ولی...

با همان سن و سال کم رو به ما گفت: «چون تو روز عاشورا سر امام حسین رو از بدن جدا کردن، منم می‌خوام مثل امام حسین شهید بشم...»

همسایه‌هایی که دور و برمان بودند گفتند: «غلامحسین! این پسرت در راه اسلام فدا میشه!»

***

رسول جوان رشیدی شده بود و علاقه بسیاری به جبهه داشت. یک بار سه ماه از منطقه برنگشت! وقتی مرخصی آمد، من و مادرش که تاب دوری‌اش را نداشتیم گفتیم: «می‌خواهیم دامادت کنیم...» حاضر نشد و جوابش این بود: «دامادی من در جبهه است! اگه شما هم به منطقه بیایین و اون محیط رو ببینید، دیگه مانع رفتنم نمی‌شوید...»

***

دومین مرتبه‌ای که می‌خواست جبهه برود، رو به مادرش گفت: «مادر جان! لباس‌هام رو بذار و ساک حمام رو آماده کن، می‌خوام غسل شهادت کنم.»

مادرش جواب داد: «این حرف‌ها رو نزن، من ناراحت میشم. ان‌شاءالله به‌سلامتی می‌روی و به‌سلامتی برمی‌گردی.»

فردایش، صبح زود، بیدار شد و رفت حمام. مقداری حنا کف دستش گذاشت و به زن برادرش گفت: «وقتی شهید شدم به مادرم بگید از حنا یادش نرود، به یاد اون دختری هم که می‌خواستید برام بگیرید باشین، فکر کنید من هستم... پولی رو هم که قرار بود برای دامادیم خرج کنید روی مزارم بذارین و جلو ضدانقلاب گریه نکنید که دشمن شاد نشیم.»

***

همراه چند نفر دیگر از دوستانش برای اعزام به منطقه، در پادگان امام حسن (علیه‌السلام) تهران مستقر شدند. یکی از بچه‌های روستا به آنها گفته بود: «من تحقیق کردم و فهمیدم عملیات بزرگی در پیش هست، بیایید از همین‌جا برگردیم...»

او جواب داده بود: «ما اومدیم بجنگیم و از دین اسلام دفاع کنیم و شهید بشیم؛ حالا تو میگی برگردیم؟»

یکی از دوستانش که روحیه ضعیفی داشت به روستا برگشت؛ اما رسول و بقیه راهی جبهه شدند.

***

چهاردهمین روز فروردین بود. شنیده بودم شهید آورده‌اند. یکی از پسرهایم کشاورزی را رها کرد و رو به همسرم گفت: «مادر! گوساله رو نذر امام هشتم کن که میگن عملیات و حمله است...» بعد هم به مسجد رفت تا دعا کند. وقتی آمد اشک می‌ریخت و به سر و صورتش می‌زد! ماشین گرفت و به شهر رفت که ببیند از رسول خبری هست یا نه؟

آن شب برای آرامش دلم قرآن خواندم و گفتم: «یا صاحب‌الزمان، اگه پسرم شهید شد، حتی یک انگشتش هم که شده برامون بیاد و دست دشمن نیفته... افتخار می‌کنم که به شهادت رسیده باشه؛ اصلاً یک پسرم برای اسلام قابلی نداره و هر چهار پسر دیگرم رو هم فدا می‌کنم...»

پیکرش را که آوردند، دیدم تمام نامه‌ها و مدارک توی جیبش به خون آغشته شده! آن لحظه یاد پنج سالگی‌اش افتادم، وقتی همسایه‌ها گفتند: «غلامحسین! این پسرت در راه اسلام فدا میشه!»

خاطره‌ای از شهید رسول عنبرانی
راوی: غلامحسین عنبرانی، پدر شهید

محرم نامه- ۸

به عمو گو به حرم برگردد

ابوالقاسم محمدزاده

گلویم خشک است و لب‌هایم زمخت شده و از شدت تشنگی آب می‌طلبد. به لیوان آب نگاه می‌کنم. نور میان آب درون لیوان می‌درخشد و رقص کنان مرا به خود می‌خواند اما دلچسب نیست. نه آب میان لیوان و نه رقص نور.

من تشنه ام، رقیه تشنه است. تشنگی من به اندازه تشنگی رقیه نیست. من تشنه دانستن و نوشتن، رقیه تشنه برگشتن عمو. صدایی می‌شنوم. صدایی از دور دست به گوشم می‌رسد. یکی از فراسوی زمان می‌خواند؛

گر نشد آب میسر گردد
به عمو گو به حرم برگردد...

امامِ محله‌ای که پادزهر سلبریتی‌ها شد

وقتی امامت موثر میدانی کانون توجه جهانی می‌شود

امام محله‌ای که در روزهای اخیر، پادزهر سلبریتی‌ها شده و حدود ۱۹ دقیقه روی آنتن بیگانه بود و امامت موثر میدانی این‌جوری کانون توجه جهانی می‌گردد.

طلبه‌های بسیاری در سراسر کشور نشان دادند که امام جماعت مسجد فقط پیش‌نماز نیست؛ بلکه امام محله است و برای تمام شئون محله و همچنین مشکلات مردم می‌تواند برنامه‌ریزی و اقدام داشته باشد و با محوریت خود، تمام ظرفیت‌ها و استعدادهای محله را فعال و پویا کند.

طلبه‌ای با ایجاد ۱۰۰ نوع اشتغال خانگی

حجت‌الاسلام محمدامین سعیدی‌مهر امام روستای کُنارو از توابع بندرعباس یکی از همین طلبه‌های جوان است. این امام محله در روزهای اخیر، پادزهر سلبریتی‌ها شده و حدود ۱۹ دقیقه روی آنتن بیگانه بود و امامت موثر میدانی اینجوری کانون توجه جهانی می‌گردد.

وی هفت سال است که برای ارتقاء فرهنگی و اجتماعی روستا تلاش می‌کند و با کمک فعالان گروه جهادی و اهالی روستا به بازسازی منازل نیازمندان و حمایت از افراد مستمند پنج روستای منطقه می‌پردازد و با تلاش او بیش از ۱۰۰ مورد اشتغال خانگی ایجاد شده است. او می‌گوید: در سال گذشته، ابتدا برای اشتغال‌زایی فراخوانی اعلام کردیم تا افرادی که توانایی و یا استعدادی دارند، خود را معرفی کنند. اطلاعات رسیده را ساماندهی کردیم تا مشاغلی همچون خیاطی، گلدوزی، دامداری، پرورش طیور، صنایع دستی، سبزی خُردکنی و... را برای خانواده‌ها ایجاد کنیم. با هماهنگی‌های صورت گرفته با بانک‌ها و خیرین، برای آنان وام و تسهیلات اشتغال‌زایی تدارک دیدیم. این وام بعد از کسب درآمد توسط این واحدها، به صورت اقساطی بازپس گرفته می‌شود. تاکنون در این طرح ۱۱۰ نفر مستقیم و غیرمستقیم شاغل شده‌اند. بیش از ۱۰ خانواده زیرپوشش مسجد هستند و بیمه سالانه برای آنها پرداخت می‌شود. سعیدی‌مهر می‌گوید: تلاش ما این است تا خانواده‌های نیازمند به خودکفایی برسند و محتاج دیگران نباشند. از این رو در سال‌های گذشته بیش از ۱۱۰ نفر مستقیم و غیرمستقیم در مشاغل خانگی در پنج روستا مشغول به کار شده‌اند. برای ایجاد مشاغل خُرد حدود ۳۰ نفر دیگر نیز منتظر معرفی و پیگیری وام و پرداخت آن هستند. این وام‌ها در مبالغی از ۵ تا ۳۰ میلیون تومان است که به جویندگان کار پرداخت شده است.

نماز جماعت را نوبتی در دو مسجد می‌خوانم!

سعیدی‌مهر از سال ۸۴ لباس سربازی امام‌زمان(عج) را پوشیده و ۱۰ سالی هست که در راه ترویج معارف اهل بیت(ع) و ارتقاء فرهنگی و اجتماعی مردم حضور دارد و هفت سال است که کُنارو را برای فعالیت‌های فرهنگی و تبلیغی خویش انتخاب کرده است. روستای کُنارو دو مسجد دارد؛ یکی مسجد صاحب الزمان(ع) و دیگری مسجد امام حسین(ع) و این امام روستا در هر دو مسجد برنامه داشته و نگذاشته است، چراغ این دو مسجد خاموش شود. او می‌گوید: در روستا دو محله بزرگ داریم که هرکدام دارای یک مسجد هستند. برای ایجاد پیوند میان دو محله به این دلیل که امام جماعت دیگری نداریم، طبق برنامه‌ریزی به صورت نوبتی هر وعده نماز را در یک مسجد اقامه می‌کنیم. برنامه‌های فرهنگی و مناسبتی نیز به همین صورت، متناوب در هر کدام از این مساجد برگزار می‌شود.

بازسازی هفت خانه روستایی

این طلبه که متولد سال ۱۳۶۸ است، برای رسیدگی به مشکلات مردم، اقدامات خوبی داشته است. تشکیل گروه جهادی برای ساخت و ساز و خدمت‌رسانی به نیازمندان یکی از فعالیت‌های او و گروهی است که ۲۰ نفر از فعالان جهادی اهل روستا را در کنار هم برای رسیدگی به نیازمندان جمع کرده است. او می‌گوید: خانه‌هایی را که نیازمند تعمیرند، تعمیر و بازسازی می‌کنیم و تاکنون منازل هفت خانواده را تعمیر کرده‌ایم و در مناسبت‌های مختلف مانند ایام کرونا ویزیت رایگان توسط پزشکان را برای مردم فراهم کردیم. بسته‌های معیشتی علاوه‌بر این روستا در چهار روستای دیگر منطقه به صورت مستمر و دو ماه یک بار توزیع می‌شود و ۲۰۰ خانواده زیرپوشش مسجد هستند که علاوه‌بر حمایت مستمر در سال، سه بار نیز به صورت عمومی اطلاع‌رسانی می‌شود و افرادی که نیاز به حمایت داشته باشند، مورد حمایت قرار می‌گیرند.

فعالیت‌های فرهنگی و آموزشی خواهران مسجدی روستا

کار جمعی دیگری که در این مسجد فعالیت دارد، کارگروه حجاب است که برای خواهران کلاس‌های تابستانه، تبلیغ چهره به چهره و فعالیت‌های دیگر انجام می‌دهند و از سرکشی به نیازمندان تا عیادت از بیماران توسط بانوان فعال روستا صورت می‌گیرد.

سعیدی‌مهر می‌گوید: بخش بانوان مسجد هم فعالیت خوبی دارد و آنها با محوریت خواهران بسیجی توانسته‌اند برنامه‌های خوبی را رقم بزنند.

این مجموعه اردوهای تفریحی و فرهنگی نیز برای بانوان تدارک و برنامه‌ریزی می‌کند.

کمک به ازدواج جوانان روستا

این طلبه یک مرکز نیکوکاری در روستا دایر کرده است و وام قرض‌الحسنه و اشتغال‌زایی به مردم پرداخت می‌کند. او می‌گوید: برای مبارزه با آسیب‌های اجتماعی برنامه‌ریزی و معرفی معتادان برای ترک اعتیاد در دستور کار ماست. با استفاده از کمک‌های مردمی، تعدادی جهیزیه نیز برای دختران دم بخت تهیه کرده‌ایم. این روزها که برگزاری مراسم ازدواج با هزینه‌های زیاد باعث شده است تا جوانان مسیر ازدواج را سخت و پرهزینه ببینند، برای همین تلاش کردیم در قالب این مرکز نیکوکاری از هزینه‌های ازدواج کم کنیم. جاری شدن صیغه عقد رایگان برای زوج‌های جوان، یکی از کارهایی است که انجام می‌دهیم.

طلبه‌ای که فوتبالیست حرفه‌ای است

حجت‌الاسلام سعیدی‌مهر خود فوتبالیست است و در تیم فوتبال شهدای کنارو در لیگ مرکزی بندرعباس بازی می‌کند. او با داشتن این ظرفیت و استعداد تلاش کرده است تا بتواند فضای خوبی را برای جذب جوانان با برنامه‌های تفریحی و ورزشی فراهم کند. او می‌گوید: با برپایی اردوها و برنامه‌های تفریحی و ورزشی توانستیم جوانان زیادی را جذب مسجد کنیم. ما کلاس فوتبال در مسجد فعال کردیم. اجرای این برنامه‌ها علاوه‌بر ایجاد نشاط و شادی و تفریح برای این قشر، راه مناسبی برای آشتی و جذب آنان به مسجد است.